

فرهنگ

دوشنبه ۳ تیر ۱۳۹۸ ۲۷۹۶

۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

دوشنبه ۳ تیر ۱۳۹۸ ۲۷۹۶

۱۳

فرهنگ

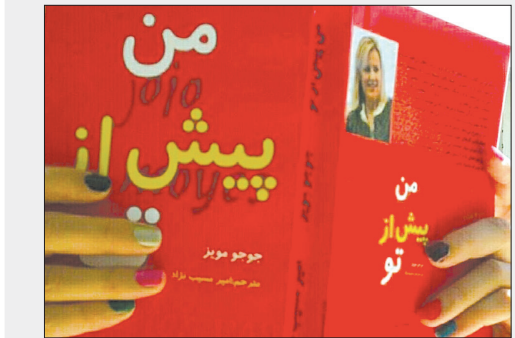
چارسو

شبکه‌های ماهواره‌ای به‌آرشیو صداوسیما دسترسی دارند؟



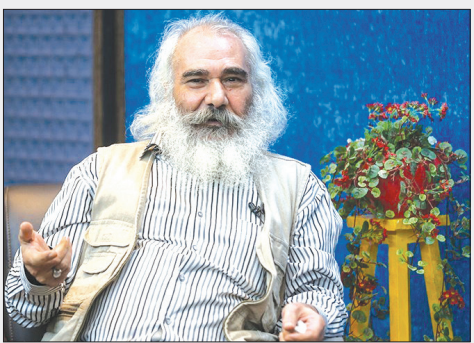
حاجد معینی، مدیرکل مالکیت فکری و حقوق بین‌الملل سازمان صداوسیما در گفت‌وگو با ایسنا درباره‌مطالبی که مبنی‌بر خروج برخی فیلم‌ها از آرشیو صداوسیما عنوان شده است، توضیحاتی را مطرح کرد و گفت: «طبیعتاً قبل از انقلاب، هر تهیه‌کننده فیلم‌برداری، راش‌های آن‌ر خود را در اختیار داشته است؛ گمانیکند در حال حاضر هم خیلی از اشخاص و فعالان این صنعت که در ایران هستند، راش‌های آثار سابق‌شان را در اختیار دارند. درست است که یک کپی از آن تحویل سازمان صداوسیما شده‌است، اما دلیل بر این نیست که یک کپی از آن را برای خود نگه نداشته باشند. گمانیکند در شبکه‌هایی که این فیلم‌ها مطرح می‌شود، معمولاً فراخوان ارسال آثار را در سالیان گذشته پشت سر گذاشته‌اند. آنها با برنامه‌هایی تحت‌عنوان برنامه‌های نوستالژیک و برنامه‌هایی از قبیل «تول زمان» و هر برنامه‌ای که شما تصور کنید، متوجهایی را که در اختیار آرشیوهای شخصی بوده، فراخوان داده، جمع‌آوری کرده‌و یک آرشیو متناظر به وجود آورده‌اند. «وی ادامه داد: «شاهد مثال آن‌حلیی از موارد در آرشیوسازمان صداوسیما وجود دارد که در خارج از سازمان به آن دسترسی وجود ندارد. مستندهایی که خود ما براساس بازسازی نگاتیوها تولید می‌کنیم؛ یعنی اگر کسی راش اصلی را در اختیار داشته باشد، با توجه به کیفیت که دستگاه‌های امروز دارند، می‌تواند به آن کیفیت بدهد و در قالب اج‌دی بخش کند. تمام این آثاری که ما می‌بینیم از شبکه‌های خارجی بخش می‌شوند، هیچ اصلاح ادغام رنگ نشده است. پس نشان می‌دهد نسخه اصلی در اختیارشان نبوده است.»

اقتباس سینمایی از کتاب جدید جوجو مویر



رمان جدید جوجو مویر، نویسندهٔ من پیش از تو، توسط اول پارکرهای، ردهای تقریبی می‌دود. امتیاز اقتباس از این رمان با عنوان «دهنده ستاره‌ها، توسط یونیورسال پیکچرز خریداری شده است. این در حالی است که این کتاب هنوز به بازار نیامده و پیش از این در هائوس ارا راه‌آما اکثر (مهر) به بازار می‌فرستد. «دهنده ستاره‌ها، جدیدترین رمان جویر است. کتاب‌های قبلی این نویسنده ۴۰ میلیون نسخه فروش داشته‌و چندین فیلم سینمایی با اقتباس از آنها ساخته شده‌است. رمان جدید وی که بر مبنای ماجرای واقعی نوشته شده، در دوران فساد شدید اقتصادی در کنناکی می‌گذرد و داستان گروهی از زنان فوق‌العاده را روایت می‌کند که سعی دارند دانش و قدرت را به جامعه دوازدهم کوهستانی خود منتقل کنند. آلیسون اوون تهیه‌کننده «جات‌انکی بس و دوبراه‌یارد تهیه‌کننده» گریه‌ها، این فیلم را تهیه می‌کند. جوجو مویر تهیه‌کننده اجرایی خواهد بود. اوون و مویر پیش از این برای اقتباس از زمان پر فروش موز یعنی من پیش از تو، با هم همکاری کرده بودند. در آن فیلم امیلیا کلارک و سم کالفین بازی کرده بودند. فیلم ۲۰۰ میلیون دلار فروش کرد. پارکر برای نوشتن فیلم‌نامه فیلم‌های چندگانه بهترین هنر تلعب، مریگوله، شاخته شده است. اولین فیلم از این مجموعه فیلم کمدی انگلیسی، سال ۲۰۱۱ به کارگردانی جان من و مبنای رمانی با نام «این چیزهای احمقانه، نوشته دیورا موگاج ساخته شد. پارکر با یونیورسال پیوندی قوی دارد و تابستان پیش ادامه ماجایا، را با عنوان «ما ما» دوباره شروع کنیم ساخته بود. این ادامه در سراسر دنیا با اقبال روبه‌رو شد و ۹۵ میلیون دلار فروش کرد. ۱۲۱ میلیون دلار آن در باکس آفیس آمریکا بود.

اگر مرتضی نبود، از کشور خارج می‌شدم



یوسفعلی میرشکاک نویسنده‌شمار کشورمان اشاره به نحوه آشنایی‌اش با شهید آوینی گفت: من هم مکانر سیدمحمدآوینی بودم. روزی سیدمحمداس گرفت و برای نقد و بررسی فیلم «برلین زیبار لشگان» از ما دعوت کرد. قرار بود داتر طالب‌زاده این فیلم را تحلیل کند. ما تا آن روز داتر را نمی‌شناختم. من به‌همراه‌احمد عزیزی به‌آن جلسه رفتم. وقتی وارد جلسه‌شدیم، دیدم که تمام شدن آن چون شروع به نقد فیلم کرد. آن روز من سیدمحمدآن جوان را معرفی نکرد. چندروز بعدگی متنی نوشتیم برای معرفی فیلم‌های حوزه آن زمان وقتی قلم‌روی کاغذ می‌گذاشتیم تا ۷۰ صفحه به محدودیت‌های چاپ درنهایت از ۱۵ صفحه خلاصه کردم. پس از آن حوزه تماس گرفتند و ما را فراخواندند. ما هم رفتم و آینه‌بود که متوجه شدم سیدمرتضی همان جوانی بود که در آن جلسه دیده‌بودم. در آن جلسه سیدمرتضی گفت یک یادداشت را در اختیار ما بگذارد. این مطلب با عنوان «دیدی ر شنیداری، در اولین سوره سینما در سرقاله چاپ شد. این راهم بگویم که اگر مرتضی نبود، یکی از آنهایی که از کشور خارج می‌شد من بودم. شهید آوینی فردی بودی پر از انرژی که می‌توانست متناقض‌ترین انسان را درو هم جمع کند. مرتضی انسان‌های تکنیکی ولایت داشت. «وی با بیان اینکه شهید آوینی در همه ابعاد مطالعه داشت، «عزیزان من، با یک جرخ نمی‌توان به درستی حرکت کرد. کسی که می‌خواهد مسلمان باشد، باید حتماً نیچه و فروید، را بشناسد و این رمز موفقیت شهید آوینی بود. مگر می‌شود تا اینجا در غرب فروفته باشیم و نخواهیم آن را بشناسیم.»

کنسرت‌ها مانند فیلم‌فارسی شده است



جمعه ۳۱ خرداد ۱۳۹۸ فرهنگسرای نیاوران مریزان برنامه‌ای بود که در آن گاهای «۱۰ قطعه آری» از تار و «پارتیزان دست‌نیت نو!»، اثر حسین علیزاده رونمایی شد. به تازگی خبرگزاری تسنیم، متن سخنرانی حسین علیزاده را منتشر کرده است که زیر بخشی از صحبت‌های پراهمیت او را در وضعیت کنونی ایران و جهان می‌خوانید: «جامعه‌ای با تأسیس جهان به پتانسیل بالایی دارد. این همه را می‌توانیم به‌کار ببریم. چون این جمع‌ها به مسائل پیش‌شان افتاده و خودی‌شان متدل می‌دراختند. به تکنیک شما هم این انتقاد وارد است. درست مثل فیلم‌فارسی‌ها شده است.»

کنسرت‌ها هم همین سروش‌ست دچار شده‌اند و هر کنسرتی که جمعیت زیاد درآمده تریار داشته باشد، بیشتر به چشم می‌آید. وقتی درآمد مالی چیزی زیاد باشد، یعنی تبلیغات زیادی هم پرایش شده است. بچه‌ای که تازه به دنیا آمده هم با مژه کوکاکولا شناخت. تقریباً در تمام دیدار هر روز کوکاکولا تبلیغ می‌کند. این برند جزئی از فرهنگ جهانی شده است. تبلیغات لازم برای فرهنگ ایران‌مان را دارند. شبکه‌های جهانی هر روز و هر ساعت مشغول تبلیغ مسائل مالی هستند. هر روز به مخاطب می‌گویند اگر این کار کنی، فلان چیز برایت می‌شود و تمام بحث درباره مادیات است. بیشتر بحث‌های ما هم فقر را می‌شود به‌عنوان نمادی از آنچه در آن هشت سال بر سر سینمای ایران آمد در نظر گرفت. البته طیفی که مقابل افرادی از قبیل نجفی و الماسی قرار داشت هم همین هزینه را در مقیاسی بزرگ‌تر برای دولت



لایه ی تحریم اسکار

سینمای ایران در سال‌های بعد از انقلاب بیش از ۲۰ بار برای دریافت جایزه اسکار بخت خود را آزموده و دو بار هم جایزه به اسفر فرهادی رسیده است. اسفر فرهادی برای اولین بار در دوره ریاست ششمدری در سازمان سینمایی با فیلم «جدایی نادر از سیمین» توانست به جایزه اسکار دست یابد. شمدری گفته بود این جایزه با لایه‌های او به‌دست آمد و تأکید کرد: «در فرآیند اسکار فیلمی انتخاب شد، رفت و حمایت شد. برنامه‌ریزی شد اما بعضی‌ها منکر هستند و می‌گویند برنامه‌ریزی شده نبود، تصادفی بود. آنها ممکن است خلقت و هستی را هم تصادف بدانند البته آنها در خیالات خودشان سیر می‌کنند. بیایند ببینند در کجا می‌توان در راستای خلقت تصادفی کار کرد و به‌جایی رسید. ممکن است بر حسب تصادف اتفاق نمی‌افتد.

مسأله‌ای و حتی لایه‌گری کردیم تا این اتفاق بیفتد و برای همه ایرانیان مهم بود که یک فیلم ایرانی اسکار بگیرد. فیلمساز برای ما مهم نبود، بلکه مهم این بود که فیلمی از سینمای ایران جایزه بگیرد.» اظهارات ششمدری در حالی مطرح شد که سال بعد تصمیم دیگری درمورد معرفی فیلم به اسکار گرفت. تصمیمی که بی‌ارتباط با اختلاف او با میرکریمی و گروه هنری که تهیه‌کننده فیلم به به حیه‌قند، بود. در سال ۹۱، همن‌سالی که فیلم سدابرائی «ا‌رگو» جایزه گرفت، بنابر تصمیم جواد شمددری، اسکار تحریم شد و فیلم سینمایی به به حیه‌قند، به کارگردانی سیدرضا میرکریمی به آکادمی معرفی نشد.

توفیق ناخواسته کشف استعداد

بعد از اینکه جواد شمددری به‌طور اساسی با باقی همکاران سابقش در صوف تهیه‌کنندگی و کارگردانی سینما به مشکل خورد و دید که نمی‌تواند بجز عده‌ای اندک، آنها را برای قرار گرفتن در جبهه حمایتش راضی کند، سرانگ کشف استعدادهای توفیق تا باینده‌ای جدید برای سینما بسازد. البته برای چنین کاری خیلی دیر به‌نظر می‌رسید و او در جدید باز شد، کارگردان خیلی متل احسان غدی‌ر، روزی برادران جشدیدی، دانش افشاسوی، مهدی نادری، نیما جابودی،

چهره‌های سوخته



رئیس جمهوری که قبل از احمدی‌نژاد روی کار بود، پیش از آن در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت داشت و اساساً قاطبه اهالی سینما را همراه خودش کرده بود. دولت اول احمدی‌نژاد که اس‌کنداری وزارت ارشاد آن را سفارهندی برعهده داشت، مقداری گزارش‌ و مریز با بر تعداد و یکی سر کرد و تا آن‌دشت در برجسته‌تر کردن فعالیت کسانی مثل مسعود دهنمکی یک این جدید و موازی در کنار بدنه سابق سینما ایجاد کرد. اما حاشیه‌ها نمایی نداشتند. «سنسوری» ساخته داریوش مهرجویی در همان دوره توقیف شد و دی‌وی‌های آن به‌طور قاچاق در بازار پخش شدند تا پس از رفع توقیف هم اکرانش بی‌معنی باشد. از طرفی به رنگ افرغان» که در روزهای پایانی دولت قبل و به‌طور داوطلبانه توسط کارگردانش از جشنواره بیرون آمده بود، اکران نشد و در توقیف ماند.

این دو مورد جزئی نبودند و روی افکار عمومی تأثیری جدی گذاشتند. وزیر ارشاد که عوض شد، این موارد هم تغییر کرد. داریوش مهرجویی به یکی از همکاران شهرداری تهران در بخش فیلمسازی تبدیل شد. شهرداری تهران در آن روزها اگرچه به‌طور کامل همسوی دولت نبود، اما از رئیس‌جمهور قبل راوده‌ای مدیر مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی شد. فیلم حاتم‌کیا هم بعد از پنج سال اکران تولید شد و دوره اسفندیار مهرزاد در آن طرفی فیلمسازی‌مان مثل رخشان بنی‌اعتماد و کمال تبریزی عنوان کردند. کمال تبریزی دو فیلم توقیف‌شده در آن دوره داشت که یکی از آنها بعدها اکران شد. اما

۶ سال پس از دولت نهم و دهم کارنامه سینمایی آن را بررسی کردیم

در خدمت و خیانت فیلم‌فارسی

مصاد، مستمسک جریان‌های مختلف قرار بگیرد. فروش بالای فیلم‌های ده‌لنگی در دو دولت نهم و دهم و شکست «درباره‌الی» و «جدایی نادر از سیمین» در رقابت با این ژورنالیست سابق، مشخص‌ترین نمونه از این جنبه سینماست که در ایران به آن بیش از اندازه توجه شد.

رقابت «اخراجی‌ها ۲» با «درباره‌الی» و به‌خصوص «اخراجی‌ها ۳» با «جدایی نادر از سیمین» که در یک سال اکران شدند، رسماً شکل روکم‌کنی بین گروه‌های سیاسی یا بهتر است گفته‌شود گروه‌های فکری و اجتماعی را پیدا کرده بود. دولت وقت با تمام توانش به یکی از این دو فیلمساز کمک کرد تا آن رقابت را ببرد و سه سال بعد از آن که «رسوایی» آخرین فیلم ده‌لنگی در دولت دهم، برای چندمین‌بار رکورد فروش در سینمای ایران را شکسته بود، در شرایطی که یک دولت دیگر سکان امور اجرایی را به‌دست

داشت، «فرق‌شدن» فیلم دیگری از اسفر فرهادی که بسیار ضعیف‌تر از «درباره‌الی» و «جدایی» بود، رکورد کیشه را شکست و عنوان پر فروش‌تر این اثر تاریخ سینمای ایران را بالای سر برد. این سلیقه مردم ایران در سه سال از ده‌لنگی به فرهادی گردش کرده‌بود؟ بین قطب و استوای زمین در دو فصل متفاوت اینقدر تفاوت وجود نداشت که دولت‌ها می‌خواستند باور کنیم بین مردم ایران در سال ۹۲ و مردم ایران در سال ۹۵ وجود داشته است. حقیقت ماجرا این بود که نه فروش فیلم‌های ده‌لنگی طبیعی و خودبه‌خود بود، نه فیلم‌های فرهادی و همچنین تحلیل‌هایی که براساس آن آنها را شکار گرفت هم همه غلط بود؛ نه لیمپنسم پر طرفدارترین گرایش در ایران است نه بورژوازی غرب‌گرا. احمدی‌نژاد در حالی رئیس‌جمهور ایران شد که قاطبه اهالی سینما در پیانه‌ای مشترک با کسی که چهار سال بعد در سال ۱۳۸۸ اصلی‌ترین رقیب انتخاباتی او شد، از رقیب انتخاباتی‌اش در سال ۱۳۸۴ حمایت کرده بودند. او می‌خواست هر طور شده به این رقبا ثابت کند شما یک اقلیت برخوردار هستید که همه‌چیز به دست‌تان افتاده



در خانه قدیمی‌اش یعنی حوزه هنری، با ورود سینمای دوا را تأسیس کرد. تعطیلی خانه سینما اما چندان طول نکشید و با عوض شدن دولت، محمد محمود احمدی‌نژاد در روزی که قرار بود این نهاد فرهنگی کاری کردند که سال‌های مدت تعطیلی واحد دفنی قبل تشکیل شده بود، به بخش قبلی اضافه شد و در حال حاضر اما شمددری کار خودش را کرد. عده‌ای از تهیه‌کنندگان سینما که با باقی همکاران‌شان اختلافات صنفی عمیق و دیرینه‌ای داشتند، در صندوق‌های مختلف در آن انجام می‌شود.

این گروه‌های تندرو، از درجده‌ای دیگر برای ضربه‌زدن به معاونت سینمایی دولت دهم وارد شدند. خیلی از این افراد جزو قدیمی‌های حوزه هنری بودند و با تحریر بخش‌هایی از هنید و هیچ فرهنگی دوست نداشت این را حوزه در اختیار بسیاری از فیلم‌ها مجوز گرفته از دولت قرار نگرفت. جواد شمددری هم در حوزه هنری سابقه فعالیت داشت اما حالا در این کشاکش تعداد قلیارش را بیشتر می‌دید. مدتی گذشت وقتی جواد شمددری توانست

قسمه تبدیل‌شدن سینما به یک ابزار نمادین برای اردوکنی گذاشت که وقتی از رویارویی ده‌لنگی و فرهادی گذشت کم کم به بخش‌های بحرانی خوش رسید. عده‌ای از اهالی سینما که اختلافاتی اساسی با جواد شمددری و تیم او به‌پذیرد. اساساً باب‌شدن چنین معیاری برای وزن‌کنی‌های اجتماعی و سیاسی کاملاً غلط بود، اما دیگر نمی‌شد کاری کرد. عده‌ای از سینماگران که حامی رقبای احمدی‌نژاد در دو انتخابات ۸۴ و ۸۸ بودند، با تحریر

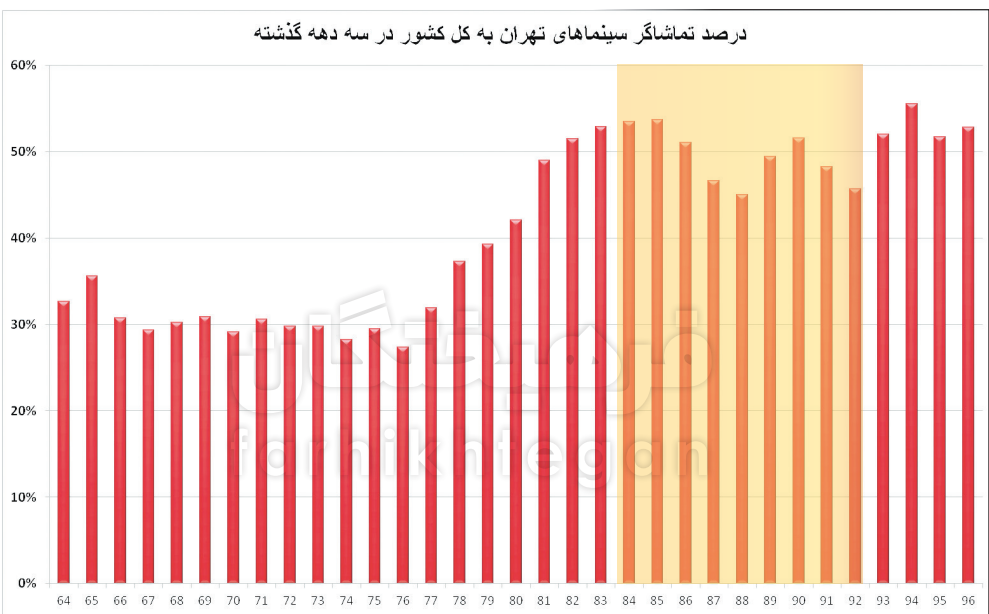
مدیران سینمایی دولت نهم و دهم

وزیر فرهنگ، محمدرضا جعفری‌جلوه را برای مهم‌ترین سمت سینمایی انتخاب کرد و حکم معاونت سینمای را به نام او زد. در واپسین روزهای مهرماه ۸۴ «محمود اربابی» به‌عنوان مدیرکل ارزشیابی و نظارت سینما حرفه‌ای این معاونت منصوب شد. او بعد از سه سال‌ونیم کار چند روز سر کار حاضر نشد و بلافاصله از سمت خود استعفا داد. عمده‌ترین دلیل این استعفا، اتفاق‌ها و حاشیه‌هایی بود که برای فیلم‌های دارای پروانه نمایش رخ می‌داد. جعفری‌جلوه قرع ریاست مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی را نیز به‌نام محمد آفریده درآورد؛ مدیری که در دوره مدیریت او خیلی از فیلم‌اولی‌ها با بودجه‌های کم مرکز گسترش، به سینمای ایران معرفی شدند و البته بعدها با حاشیه فیلم‌هایشان به شهرت رسیدند. از جمله این کارگردان‌ها محسن امیر یوسنی، مسعود بخشی و عبدالرضا کاهانی هستند. البته آفریده تهیه‌کنندگی فیلم سینمای پراخشیه «یک خانواده محترم» را ساخت که عمده شهرت این فیلم مدیون توهین‌های بی‌سابقه به رزمندگان دفاع مقدس، خانواده‌های شهدا و شخص حضرت امام خمینی(ره) است. اواسط سال ۸۶ علیرضا رضاداد که از سال ۸۱ مدیرعاملی بنیاد سینمایی فارابی را در عهده‌دار بود، از سمت خود استعفا داد و هیأت امنای بنیاد پس از بررسی برنامه پیشنهادی «مجید شاه‌حسینی» مدیرعاملی فارابی را به او سپرد. علیرضا رضاداد جزء آن دسته از مدیران دولت اصلاحات بود که در دولت جدید هم به سمت‌های بالایی ارجاع قرار گرفت. اما اواخر مردادماه سال ۱۳۸۶ بود که ناگهان به‌طور همزمان، خبر استعفاي او از ریاست بنیاد سینمای فارابی و محمدمهدی عسگرپور از معاونت هنری شهرداری تهران منتشر شد. علیرضا رضاداد، در حالی نامه استعفاي خود را در یک روزنامه (اعتماد) منتشر کرد که روابط‌عمومی معاونت سینمایی اعلام کرده است استعفاي او را دریافت نکرده است. رضاداد دلیل این استعفا را هیچ‌گاه رسماً عنوان نکرد، اما بعدها رضاداد ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ و آرایش چهره‌های فرهنگی در میزبان آن رویداد نشان داد که رضاداد و عسگرپور این‌ها نتوانستند همزمان به بسج چهره‌های سینمای برای انتخابات و فعالیت در سیستم مدیریتی اصولگرایان بپردازند و با آن نگاه‌های که بود، گزینه اول را انتخاب کردند. انجمن سینمای جوان از دیگر مراکز بود که در دوره اول ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد تغییر مدیریت را تجربه کرد و مسئولیت آن را «ناصر پاکیده» عهده‌دار شد. اداره موسسه رسانه‌های تصویری نیز در این دوره به عهده ابراهیم درازغره‌زاد بود. فقط هشت روز به پایان دولت نهم باقی ماند و بعد صفار هرنزی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استعفا کرد و «محمدعلی خواجهمیری» مدت کوتاهی برای سرپرستی وزارت‌فرهات انتخاب شد و پس از آن «سیدمحمد حسینی» به‌عنوان وزیر فرهنگ دولت دهم ای اعتماد گرفت.

در این دوره از میزان کشمکش‌ها بین وزیر ارشاد و رئیس‌جمهور کاسته شده بود. جواد شمددری زمانی که مشاور هنری محمود احمدی‌نژاد بود، منتقد سیاست‌های وزارت ارشاد دوره محمدحسین صفار هرنزی بود و حالا سکندرانداز معاونت سینمای می‌شد. با ورود او به ساختمان میدان بهارستان، تیم مدیرانی همراه با تفکراتش به فضای سینمای آن روزها آمد. در دوره مدیریت او بود که معاونت سینمایی به سازمان سینمایی تغییر شکل داد علیرضا سجادی‌پور، بار دیرین شمددری اولین فردی بود که همراه او به معاونت سینمایی آمد و پیست مدیرکل اداره نظارت و ارزشیابی او را داده شد. پس از او شفیق آقامحمدیان، مدیر مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی شد. سیداحمدالله میرعلانی نیز مدیرعاملی بنیاد سینمای فارابی را به عهده گرفت. در دوره میرعلانی پروژه‌های موسوم به واخر با هزینه‌های سنگین تولید شد که هیچ‌کدام در فرصت اکران بی‌المللی نیافتند و نه فروش مناسبی در سینمای ایران داشتند. شمددری مدیرعاملی انجمن سینمای جوان را به نام هاشم میرزاکشانی زد و محمدرضا عباسیان را هم به‌عنوان مدیرعامل موسسه رسانه‌های تصویری منصوب کرد. او در اردیبهشت‌ماه خبر استعفاي ناگهانی خود را اعلام کرد و پس از آن عباس اسداللهی، عضو هیأت عامل موسسه رسانه‌های تصویری سرپرستی این موسسه را به عهده گرفت.

ادامه در صفحه۱۳

سهم تهرانی‌ها و شهرستانی‌ها از سینما در دولت احمدی‌نژاد



نسبت تماشاگران تهرانی به شهرستانی‌ها از مهم‌ترین شاخص‌های بررسی ساختاری سینمای ایران در پایان سال ۱۳۹۶ به یک‌چهارم عدد رسید که کاملاً در پایان سال ۱۳۹۸ نشان می‌دادند. در تمام این سال‌ها حجم مخاطبان تهرانی سینما ثابت ماند و به مناطق شمال‌شهر سوق داده شد و شهرستانی‌ها سهم‌شان را خواسته یا ناخواسته واگذار کردند. این مساله به مقداری هم پایان آمد. اما تغییرات زیادی نتواند چنین صحنه را به قبل از سال ۶۸

نسبت تماشاگران تهرانی به شهرستانی‌ها از مهم‌ترین شاخص‌های بررسی ساختاری سینمای ایران در پایان سال ۱۳۹۶ به یک‌چهارم عدد رسید که کاملاً در پایان سال ۱۳۹۸ نشان می‌دادند. در تمام این سال‌ها حجم مخاطبان تهرانی سینما ثابت ماند و به مناطق شمال‌شهر سوق داده شد و شهرستانی‌ها سهم‌شان را خواسته یا ناخواسته واگذار کردند. این مساله به مقداری هم پایان آمد. اما تغییرات زیادی نتواند چنین صحنه را به قبل از سال ۶۸